فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی ام. بهار ۱۳۹۸، صص ۷۰-۴۱ Vol 3. No 30. 2019, p 41-70
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

جرم جعل اسناد سجلی و تاثیر آن در ارتکاب جرایم علیه اموال و مالکیت

سید ایمان امیرفخری
کارشناس ارشد حقوق ثبت اسناد و املاک
دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، ایران
imanamirfakhry@gmail.com

چکیده

اسناد سجلی مدارکی هستند که برای احراز هویت و شناسایی افراد به کار می روند و دلیل ممیزه اشخاص از یکدیگرند که شامل: سند ولادت و وفات، دفتر ثبت کل وقایع، دفتر حق تقدّم نام خانوادگی، شناسنامه و کارت شناسایی ملی می باشد. با وضع قوانین و لزوم برقراری نظمِ اجتماعی، تعیین دقیق جایگاه هر فرد در جامعه و برخورداری از حقوق و تکالیف، مستلزم این است که افراد، ویژگی‌های شخصی و منحصر به فردی داشته باشند که آنها را از یکدیگر متمایز سازد. امروزه عمدتاً هر شخص طبیعی از طریق اقامتگاه، نام و نام خانوادگی، و اسناد ثبت احوال از دیگران تمییز داده می‌شود. لذا این اسناد پایه و اساس صدور سایر مدارک قرار گرفته و ارائه و استفاده از بسیاری خدمات ضروری دولتی و غیر دولتی نیز مبتنی بر همین اسناد صورت می گیرد به همین لحاظ اسناد سجلی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و مورد توجه مرتکبین جرایم گوناگون خصوصاً جرایم علیه اموال (کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت و چک پرداخت نشدنی) قرار می گیرد و مرتکبین جرایم مذکور با جعل اسناد سجلی و با سوء استفاده از عملکردهای این اسناد به اهداف مجرمانه خود نائل می‌شوند. لذا هدف از انجام این تحقیق، شناسایی پدیده های مختلف ناشی از جعل اسناد سجلی و تحلیل آن پدیده‌ها به منظور پیشگیری از وقوع جرایم است. روش پژوهش بصورت تحلیلی ـ کتابخانه ای و از طریق فیش برداری از کتب، مجلات و نوشتارها، سایت‌های حقوقی و جمع آوری و بررسی آنها، کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقتضاء حوزوی و نیز مراجعِ دخیل در امور حقوقی بوده است.

واژه‌های کلیدی: اسناد سجلی، جعل، استفاده از سند مجعول، کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت، چک پرداخت نشدنی.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

مقدمه:

با افزایش روزافزون جمعیت و گسترش جوامع بشری، صدور اسناد سجلی جهت شناسایی افراد جامعه و به منظور برخورداری همه مردم از حقوق و تکالیف اجتماعی و برقراری نظم و امنیت اجتماعی، از اقدامات اساسی و اولیه هر جامعه می‌باشد. استحکام روابط اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی یک کشور اقتضاء می‌نماید که تبادلات و مبادلات فی مابین افراد جامعه، مطمئن و قابل اعتماد در چارچوب قانون و به‌دور از هرگونه خدعه و تزویر باشد و این امر از جمله منوط به آن است که نوشته‌ها و اسنادی که با اهداف گوناگون بین آنها رد و بدل می‌گردد از صحت و اصالت لازم برخوردار باشد. اسناد سجلی به عنوان ام الاسناد و مبنای شناسایی و احراز هویت افراد در جامعه، همواره در صف مقدم تعرض بوده و ابزار کارآمد برای مرتکبان جرایم است تا با جعل این اسناد و پنهان نمودن هویت خود، با هویتی جعلی اقدام به انجام جرایم متعدد نمایند. بنابراین تعرض به یک سند هویتی مثل شناسنامه نه تنها تعرض به حقوق صاحب آن و افراد دیگری که قربانی اعمال بزهکارانه می‌شوند محسوب می‌شود، بلکه به لحاظ سلب اعتماد و اطمینان و اخلال در نظم و آسایش عمومی‌جامعه، اجتماع نیز از آن متضرر می‌شود هرچند که جامعه با وضع قوانین کیفری درصدد مبارزه بر آمده و در این خصوص پیش بینی های لازم تا حدودی در قوانین کشور صورت گرفته است لیکن با وجود وضع قوانین کیفری، باز هم شاهد ارتکاب چنین جرایمی‌هستیم و به نظر می‌رسد که تنها مجازات کافی نبوده و توجه مضاعف به شناسایی علل وقوع آن و اقدامات پیشگیرانه و اتخاذ تدابیر اصولی و علمی و منطقی را می‌طلبد. با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، می‌توان از وقوع جعل در اسناد و همچنین بکارگیری سند مجعول و به دنبال آن وقوع انواع مختلف جرایم علیه اموال جلوگیری کرد به همین منظور ابتدا باید پدیده‌ها و جرایم ناشی از جعل اسناد سجلی را شناسایی نمود تا بتوانیم علل وقوع آن پدیده‌ها را، مورد مطالعه قرار دهیم.

یکی از عوامل مهم تنظیم روابط مختلف افراد جامعه با یکدیگر اسناد و نوشتجات هستند که به منظور بیان اراده و نیّت افراد به کار می روند و مردم به آن ها اعتماد دارند متاسفانه این اسناد توسط عده ای مورد سوء استفاده قرار گرفته که این امر، اعتماد و اطمینان افراد جامعه نسبت به اسناد تنظیمی را سلب نموده و امنیت و نظم اجتماعی را با اخلال روبرو خواهد کرد. بنابراین حفظ و رعایت صحت مفاد و محتوای آن ها جهت جلب اعتماد عمومی‌لازم و ضرورت دارد. جعل یک سند با استفاده از آن ارتباط تنگاتنگی داشته و در حقیقت عمل جعل سند، مقدمهٔ بزه استفاده از سند مجعول است جعل علاوه بر لطمه وارد کردن به اسناد و ایجاد اخلال در نظم اجتماعی، زمینهٔ ارتکاب جرایم خطرناکی همچون کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت و غیره را فراهم می نماید بنابراین جاعل در جعل سند هدف نهایی خود را که بهره برداری از این سند مجعول است دنبال می‌کند. جرم جعل در کلیه کشورها سابقه ای طولانی دارد و از زمانی که انسان ها زندگی اجتماعی را جایگزین زندگی انتزاعی کردند رفته رفته این جرم از صورت ابتدایی و ناقصِ اولیه خود خارج شده و تبدیل به یک جرم ظریف گردید اگرچه در اوایل این عمل فقط از عهدهٔ عده ای معدود

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بر می آمد اما در حال حاضر با توسعه علوم و امکانات، انجام این کار آسان تر گردیده آنچه بیش از همه موجب نگرانی شده است این است که بسیاری جاعلان ممکن است به صورت باند و گروه عمل کنند از همین رو قانون گذار جعل را از زمرهٔ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی می‌داند زیرا موجب سلب اعتماد عمومی و ایجاد نگرانی و اخلال در روابط افراد می گردد. از جمله اسناد مهمی که در هر جامعه ای کاربرد روزمره داشته و در کلیه نهادها و ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی مورد استفاده قرار می گیرد اسناد سجلی هستند و این اسناد پایه و اساس صدور سایر اسناد در سازمان‌های دولتی و غیره از قبیل ادارات و مراجع رسمی، ثبتی و. . . قرار می گیرند. بنابراین عدم دقت در جعلی بودن این گونه اسناد ممکن است سبب صدور اسناد صحیح دیگر می‌شود که مورد سوء استفاده قرار گرفته و در تحقق جرایم مختلف مؤثر بوده و کشف و تعقیب کیفری مجرمین را هم با مشکل مواجه کند. جاعلان همواره به دنبال نقاط ضعف در اسناد سجلی هستند تا ضعف را مقدمه ای بر جعل آن قرار دهند و از آسیب پذیری اسناد سجلی که دارای کاربردهای فراوانی هستند بهره گرفته و با جعل آنها جرایم مختلفی را که عمدتاً جرایم مالی هستند مرتکب می‌شوند. بنابراین متولیان امر برای اینکه بتوانند با این پدیده مبارزه اساسی و ریشه ای داشته باشند، آگاهی آنان از چگونگی نقش اسناد سجلی مجعول در وقوع جرائم علیه اموال ضرورت دارد.

مبحث اول: جعل اسناد سجلی

گفتار اول: سند

اسناد مهم ترین ادله اثبات دعوا هستند که در دستگاه قضایی مورد استناد قرار می گیرد، چرا که اگرچه اقرار قاطع دعوا است اما به ندرت اتفاق می‌افتد که خواندهٔ دعوا به حقانیت مدّعی و بی حقّی خود اعتراف و اقرار کند. دعاوی معمولاً بدین گونه است که چون خوانده دعوی خواهان را محق نمی‌داند و به نحوی خود را مبرّی از موضوع دعوا تلقی می کند، خواهان به ناچار برای احقاق حق خود به دستگاه قضایی متوسل می‌شود و مهم ترین و رایج ترین ادله اثبات دعوا هم سند است لذا پیش از پرداختن به تعریف و مفاهیم اسناد، به این دلیل که اسناد سجلی برابر مقررات قانون مدنی از اسناد رسمی می‌باشد، لازم است درباره ادله اثبات دعوی که سند یکی از اقسام آن است مطالبی ذکر گردد.

انوع سند از نظر اعتبار قانونی

سند رسمی: طبق ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی سند رسمی عبارت است از سندی که در اداره ثبت اسناد واملاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند مثل سندی که در دفترخانه ها تنظیم می‌شوند و شناسنامه، گواهینامه، و. . .

در قانون اعم از قانون مدنی و قانون ثبت، تعریفی از اسناد رسمی نشده است و فقط قانون مدنی در ماده ۱۲۸۷ مصادیق اسناد رسمی را ذکر نموده است:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ـ اسنادی که در ادارهٔ ثبت اسناد و املاک تنظیم شده باشد

ـ اسنادی که در دفاتر اسناد رسمی تنظیم شده باشد

ـ اسنادی که نزد سایر مأمورین رسمی تنظیم شده باشد

سند عادی: برابر ماده۱۲۸۹ قانون مدنی غیر از اسناد مذکور در ماده۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است به عبارت دیگر سند عادی عبارست است از سندی که از جانب اشخاص غیررسمی بدون دخالت مأمورین رسمی تنظیم شده و تابع تشریفات خاص نمی‌باشد مانند دفاتر و اسناد تجارتی (غیر از دفاتر که شرایط اسناد رسمی را دارد) نظیر دفتر روزنامه، دفتر دارایی، دفتر کل. قانون مدنی ایران از سند عادی تعریفی به عمل نیاورده است و به تعریف و بیان شرایط اسناد رسمی پرداخته است. سند عادی هر نوشتهٔ معمولی است که به نحوی می تواند بر وقوع امری دلالت کند که با اثبات آن، حقانیت کسی که به آن استناد نموده ثابت می گردد.[1]

بنابراین می‌توان گفت همه اسناد، عادی است مگر اینکه مشمول تعریف ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی باشد اسناد عادی تابع تشریفات خاصی نمی‌باشند مگر آنکه در موارد محدود و معینی قانون صورت خاصی برای آن مقرر داشته باشند مانند وصیت نامه خود نوشت که به دستور ماده ۱۲۸۷ قانون امور حسبی در صورتی معتبر است که تمام به خط موصی نوشته شده و دارای تاریخ، روز، ماه و سال به خط موصی بوده و به امضاء او رسیده باشد.

گفتار دوم: ادله اثبات دعوی

قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۳۵۳ دلیل را امری می‌داند که اصحاب دعوا برای اثبات دعوی یا دفاع از دعوی به آن استناد می‌نمایند با وجود این، دلیل تنها در اثبات یا دفاع از دعوی بکار نمی‌آید گاهی در زندگی صلح آمیز، اجرای حق در روابط اجتماعی نیز نیاز به اثبات و آوردن دلیل دارد مانند حق نفقه که مستلزم اثبات علقه زوجیت می‌باشد که اسناد سجلی می‌توان دلیل علقه زوجیت باشد. دلیل در امور جزایی دارای اهمیت زیادی است زیرا قانوناً زمانی متهم محکوم به ارتکاب جرم می‌شود که تمامی ارکان جرمِ قابل انتساب به متهم جمع آوری شده باشد بنابراین هیچگاه بدون وجود دلیل نمی‌توان انتساب اتهام را احراز کرد و به اِعمال کیفر پرداخت. یکی از ویژگی‌های مهم اقامه دلیل در امور کیفری این است که متهم از اصل برائت سود می برد قانون اساسی در اصل ۳۷ به صراحت مقرر می‌دارد اصل بر برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

دلیل در اصطلاح حقوقی عبارت است از عامل اثبات حقیقت که در مراجع قضایی به کار می رود خواه این عامل رویدادی خارجی باشد یا حکمی از قانون. قانون مدنی در ماده ۱۲۵۷ اثبات را لازمهٔ برخورداری از حق می داند و مقرر می‌دارد هرکس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند.

---

۱. قدرت اله واحدی، بایسته های آیین دادرسی مدنی، نشر میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۵۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

اقسام ادله اثبات دعوی

به صراحت ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی ادلهٔ اثبات دعوی از قرار ذیل می باشد:

ـ اقرار

ـ اسناد کتبی

ـ شهادت

ـ امارت

ـ قسم

علاوه بر اقسام مذکور سه مورد دیگر کارشناسی، تحقیق و معاینهٔ محلی را آیین دادرسی اضافه یاد کرده است.

هرچند قانون، ادلهٔ اثبات دعوی را حصری اعلام نموده اما به نظر می رسد هر آنچه که ذهن انسان را به سوی حقیقت و واقعیت سوق دهد می تواند در زمرهٔ ادلهٔ اثبات دعوی باشد و نباید آن را محصور در چند وسیله معین کرد. دکتر جعفری لنگرودی معتقد است آنچه از مقررات نوشته یا عرفی که در مقام اثبات امری از امور در مراجع قضایی به کار رود، خواه آن امور از دعاوی باشند خواه نه مانند شهادت و امارات و قسم و سند و اقرار (ماده ۱۲۵۷قانون مدنی) چون غالباً این امور برای اثبات دعاوی به کار می آیند آنها را از باب تغلیب ادله اثبات دعوی گفته اند.[۱]

دکتر ایرج گلدوزیان نیز معتقد است دلیل در مفهوم عام آن عبارت است از استناد به وسیله ای برای اثبات واقعیت یک امری و دلیل در مفهوم خاص آن عبارت است از شیوه های به کار گرفته شده در جهت اثبات واقعیت یک امری.[۲]

در حقوق دلیل باید قاطع دعوا باشد بنابراین احتمال موجه درباره چیزی مانع از آن می‌باشد که آن چیز را دلیل بر امری قرار دهیم. همچنین دو دلیل متعارض به جهت اینکه ترتیب اثر دادن به هر دو مقدور نیست از اعتبار ساقط است (اذا تعارضا تساقطا) همان طور که گفته شد ممکن عامل اثبات حقیقت حکم قانون باشد و گاهی دو قانون از هر جهت مخالف مدلول یکدیگر باشند در اینصورت قانونی که تاریخ آن مؤخر از تاریخ دیگری باشد ناسخ قانون اول خواهد بود.

تا زمانی که دلیل وجود دارد نباید به اصل استناد کرد اما در مواردی ممکن است چنین کاشفی وجود نداشته باشد و قانون سکوت کرده باشد در این صورت مطابق قاعده فقهی(الاصل دلیل حیث لادلیل) عمل می‌شود که به برخی از این اصول به شرح ذیل اشاره خواهد شد:

ـ قاعده اتلاف (من اتلف مال الغیر فهو له ضامن)

ـ قاعده احسان (ما علی الحسنین من سبیل)

---

۱. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۸، ص۲۳

۲. ایرج گلدوزیان، ادله اثبات دعوا، نشر میزان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۶

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ـ قاعده اقرار (اقرار العقلا علی انفسهم جائز)
ـ قاعده اکراه (الاکراه یسقط اثر التصرف الا فی قتل النفس)
ـ قاعده قبح عقاب بلا بیان (و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا)
ـ قاعده بینه (البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر)
ـ قاعده تسلیط (الناس مسلطون علی اموالهم)
ـ قاعده ید (لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق)

گفتار سوم: اسناد سجلی

در ابتداء تصویب نامه بقیهٔ نظام نامهٔ ادارهٔ کل احصائیه و سجل احوال مورخ ۱۳۱۴/۶/۱۲ سند سجلی را مضمون ثبت یک واقعه در دفاتر رسمی ثبت احوال می دانست. پس از آن ماده ۱ قانون راجع به متخلفین از اجرای تکالیف مقرره در قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۵/۱۲/۲ با اندکی تغییر مقرر می‌دارد: (سند ثبت احوال عبارت از مضمون ثبت یک واقعه در جداول مخصوص ثبت وقایع و در دفاتر و اوراق مربوطه است). لیکن در قوانین جاری تعریفی از اسناد سجلی و اسناد ثبت احوال ارائه نشده است و بر اساس ماده ۱ آیین نامه ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹ (سند سجلی عبارت از سندی است که مطابق مقررات قانون ثبت احوال به ثبت رسیده و مندرجات آن رسمی و معتبر است) با اینکه آیین نامه مذکور امروزه قدرت اجرائی ندارد اما تعریف سند سجلی آنگونکه که در ماده ۱ آیین نامه آمده کماکان معتبر است.

اسناد مربوط به احوال شخصیه که برابر مقررات قانون مدنی و ثبت احوال به وسیله مأمورین رسمی تنظیم می‌شود، را اسناد سجلی یا اسناد ثبت احول گویند مهمترین وقایع و احوال شخصیه که بر طبق قانون باید به ثبت برسند و سند رسمی برای آنها تنظیم گردد عبارتند از ولادت، ازدواج، طلاق، فوت (وقایع اربعه) و نام خانوادگی در دفاتر و اوراق و اسناد مربوط است.[1]

به نظر می‌رسد که باید بین اسناد ثبت احوال با اسناد سجلی قائل به تفکیک شد زیرا اسناد ثبت احوال مفهومی عام‌تر از اسناد سجلی دارد اسناد سجلی دفاتری است که در جداول آن صرفاً وقایع چهارگانه (ولادت و فوت و ازدواج و طلاق و بذل مدت) در ادارات ثبت احوال درج می‌شود که شامل دفتر ثبت کل وقایع و دفتر ثبت وفات است اما اسناد ثبت احوال سندی است که مطابق مقررات قانون ثبت احوال به ثبت رسیده و مندرجات آن رسمی باشد و معتبر است که ممکن است علاوه بر وقایع مذکور، اسنادی را که از تعویض شناسنامه یا تغییر نام خانوادگی و یا جمع آوری و تهیه آمار انسانی، کارت شناسایی ملی و غیره ایجاد می‌شود، در بر بگیرد. مسلم است که شناسنامه از اسناد رسمی بوده و منعکس کننده اطلاعات اسناد سجلی است نه اسناد ثبت احوال. بنابراین بین اسناد سجلی و اسناد ثبت احوال منطقاً رابطه‌ی عموم و

۱. سیدحسین صفائی و سید مرتضی قاسم زاده، اشخاص و محجورین، ناشر سمت، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۴، ص۱۱۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

خصوص مطلق جاری است چون هر سند سجلی، از اسناد ثبت احوال محسوب شده اما برخی از اسناد ثبت احوال ممکن است از اسناد سجلی بوده و برخی هم نباشند.

بند اول: وجوه افتراق اسناد سجلی با اسناد هویتی

همانطور که در تعریف اسناد سجلی ذکر شد اسناد سجلی عبارت از اسنادی است که مطابق مقررات ثبت احوال به ثبت رسیده و مندرجات آن رسمی و معتبر است و علاوه بر شناسنامه شامل دفاتر گوناگون ثبت احوال نیز است که احوال افراد در این دفاتر درج شده و در ادارهٔ ثبت احوال نگهداری می‌شود. دفاتری مانند: ثبت کل وقایع – ثبت وفات – نام و نام خانوادگی – گواهی ولادت – اعلامیه ازدواج – اعلامیه طلاق را شامل می‌شود. (وقایع چهارگانه) اما در مقابل، اسناد هویتی اسنادی هستند که برای شناسایی فرد در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند اسنادی که در مجموعه اسناد هویتی بوده و علاوه بر کارکردهای ویژه، به عنوان مدرک شناسایی نیز مورد استفاده هستند می‌توان به اسناد زیر توجه داشت:

ـ گذرنامه

ـ گواهینامه رانندگی

ـ پایان خدمت وظیفه عمومی

ـ مدارک شناسایی صنفی

بند دوم: مصادیق اسناد سجلی

از مجموع اقسام اسناد سجلی به غیر از شناسنامه و کارت شناسایی ملی که در اختیار آحاد مردم است، سایر اسناد سجلی نظیر سند ثبت ولادت سند ثبت فوت دفتر ثبت کل وقایع و..... از اسناد و سوابق موجود در ادارهٔ ثبت احوال محسوب شده که در خارج از محدودهٔ اداری ثبت احوال نه در دسترس بوده و نه می‌توان از آن‌ها استفاده نمود بنابراین جعل در اسناد سجلی به دو صورت متصور است:

جعل در اسناد سجلی به معنای خاص شامل شناسنامه و کارت شناسایی ملی که ممکن است توسط صاحب آن یا اشخاص غیر انجام شود.

جعل در اسناد سجلی به معنای عام آن شامل کلیه اسناد موجود در اداره ثبت احوال که جعل آن صرفاً توسط مأمورین اداره ثبت احوال می تواند انجام شود.

می‌توان گفت شناسنامه کاملترین سندی است که برای شناسایی یک فرد تنظیم می‌شود و با وجود شناسنامه نیازی به سند دیگر جهت معرفی فرد وجود ندارد. به همین لحاظ قانونگذار گرفتن شناسنامه را فرض اجباری نموده و مجازات خاصی برای کسانی که فاقد آن می‌باشند یا با داشتن یک شناسنامه اقدام به اخذ مجدد آن بکنند منظور کرده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بند سوم: شکل‌های گوناگون سوء استفاده از شناسنامه

جعل شناسنامه یکی از جرائم مهم و حائز اهمیت در رابطه با این سند هویتی است ولی شکل‌های گوناگونی از جرایم مختلف در رابطه با شناسنامه وجود دارد که در نهایت می‌توانند مانند جعل آن در وقوع و ارتکاب جرایم از سوی مجرمین مؤثر و دخیل باشند که به فهرست این جرایم اشاره می‌گردد:

ـ استفاده از شناسنامه مکرر

ـ اخذ شناسنامه المثنی با داشتن شناسنامه

ـ مهر کردن غیر مجاز شناسنامه های معتبر

ـ استفاده از شناسنامه های دیگری به نام هویت خود

ـ استفاده افراد بیگانه از شناسنامه ایرانی

بند چهارم: کارت شناسایی ملی

سازمان ثبت احوال کشور به عنوان متولی ثبت احوال شخصیه آحاد ملت، سعی و تلاش دارد نسبت به صدور و تحویل کارت ملی اقدام نماید. حرکتی که با عزم ملی و ایجاد فرهنگ مرتبط با آن می‌تواند در برنامه‌های کلان مملکتی از قبیل کنترل جمعیت و فعالیت ها و حتی اقدام محدود امنیتی مؤثر باشد. طرحی که با استناد به ماده ۳۸ قانون ثبت احوال مصوب تیر ماه ۱۳۵۵ متضمن اصلاحیه مورخ ۶۳/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی شروع شده و با تصویب قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی و متعاقب آن آئین نامه اجرایی قانون موصوف در حال اجرا می‌باشد.

مبحث دوم - جعل سند

جعل از جمله جرایمی است که علاوه بر زیان های فردی که موجب اختلال در معاملات و روابط بازرگانی و اداری گردیده سبب سلب اعتماد مردم و ایجاد نگرانی شده و آسایش و رفاه عمومی را به خطر می‌اندازد بنابراین جرم مزبور مبتنی بر اضرار فرد نیست و جامعه بیشترین ضرر را از ارتکاب آن خواهد داشت این جرم از جهت دیگری نیز حائز اهمیت است و آن نقشی است که جعل اسناد سجلی در وقوع جرایم دیگر دارد همه متولیان امر قضا و مسئولین نظم و انضباط جامعه، در این مطلب متفق القول هستند که جعل سند با هدف بهره گیری در ارتکاب جرم دیگر بوقوع می‌پیوندد استحکام روابط اجتماعی و اقتصادی منوط به آن است که افراد جامعه بتوانند به صحت و اصالت نوشته ها و اسناد، اطمینان داشته باشند هدف مقنن نیز در برخورد با جاعلین و استفاده کنندگان از سند جعلی حمایت از نوشته ها، مدارک و اسناد و اعتبار آنها است از همین رو علی رغم اینکه در بسیاری از موارد جعل موجب بردن مال می‌شود، در زمره جرایم علیه آسایش عمومی، و نه جرایم علیه اموال طبقه بندی شده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

گفتار اول: تعریف و مفهوم جعل

در فقه به جای جعل، کلمه تزویر استعمال می شده و از این حیث تزویر مترادف جعل است قانونگذار ایران هم بدون تفاوت، گاهی فقط از عنوان جعل و زمانی فقط از عنوان تزویر، و گاهی هم از عنوان جعل و تزویر تواماً استفاده نموده است.

در قوانین ما از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعریفی برای جعل ارائه نشده بلکه تنها به مصادیقی از آن اشاره شده است تعریف حقوقی جعل به سهولت امکان پذیر نمی‌باشد و سکوت قوانین جزایی نسبت به شرایط تحقق این جرم یکی از دلایل بارز این مشکل است. شاید تنها موردی که بتوان آن را تا حدی تعریف جعل تلقی کرد ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات (قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) باشد.

گفتار دوم: طرق مختلف جعل

مهم ترین عنصر در جرم جعل قلب حقیقت است از نظر قلب حقیقت جعل را به دو دسته تقسیم کرده اند.

۱- جعل مادی ۲- جعل معنوی

قلب حقیقت مادی یا جعل مادی عبارت است از تحریف حقیقت با عملی مادی، ضمن باقی ماندن اثر خارجی مادی جعل در نوشته یا سند و غیر آن در جعل معنوی مفادی قلب حقیقت در مطالب و مفاد یک نوشته بدون این که اثر خارجی داشته باشد به عمل می آید. به عبارت دیگر جاعل ابتدا حقیقت یک امر را در ذهن خود منقلب می کند و سپس همان دروغ را به صورت قلب شده وارد سند می‌نماید.

وجه تمایز جعل مادی و معنوی در این است که در جعل مادی به ظاهر نوشته یا سند خدشه ای وارد می‌شود و آثار آن آشکار است مانند خراشیدن عدد روی چک. اما در جعل معنوی به ظاهر سند هیچ ایرادی نیست بلکه قلب حقیقت در مضمون نوشته وجود دارد و جاعل مطالب را به صورت تحریف شده وارد سند می کند.

گفتار سوم: جعل اسناد سجلی

بند اول: ارکان متشکله جرم جعل اسناد سجلی

جرم جعل اسناد سجلی همانند هر جرم دیگری از ۳ عنصر قانونی، مادی، و روانی تشکیل می‌شود که برای محکوم شدن متهم به ارتکاب جرم، باید کلیه اجزای این عناصر توسط مرجع تعقیب اثبات شود.

الف - عنصر قانونی جرم جعل اسناد سجلی

عنصر قانونی جرم جعل در حقوق ایران در قوانین متفرقه پیش بینی شده است:

ـ ماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد و املاک

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ـ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵

ـ موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲

ـ قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران مصوب ۱۳۶۴

ـ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۶۷

ـ قانون تشدید مجازات عبور دهندگان اشخاص از مرز مصوب ۱۳۶۷

ـ موادی از قانون گذرنامه

ـ قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸

ـ قانون تخلفات، جرائم و مجازاتهای مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب ۱۳۷۰

ـ مواد ۵۲۳ به بعد قانون تعزیرات (قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)

ب - عنصر مادی جرم جعل اسناد سجلی

عنصر مادی عبارت است از رفتار فیزیکی که بسته به نوع جرم، ممکن است فعل یا ترک فعل باشد در این بخش از تحقیق قبل از اینکه وارد ماهیت بحث شویم باید بدانیم که آیا جرم جعل اسناد سجلی با ترک فعل عنوان مجرمانه صدق می‌کند یا نه؟ در مورد جرم جعل می‌توان گفت مصادیق جرم جعل هم در فعل اتفاق می‌افتد هم در ترک فعل. فعل مثبت که همان قلب حقیقت در یک نوشته که دارای ارزش و سندیت، به یکی از صور پیش بینی شده در قانون است و ترک فعل که در جعل مفادی یا معنوی محقق می‌شود زیرا ممکن است در نتیجه ترک فعل، سندی ایجاد شده که محتوای آن با واقعیت منطبق نمی‌باشد مثل اینکه قسمتی از تقریرات شخصی که سند را دیکته می‌کند حذف کرده و ننویسیم و بر اثر آن یک حقی را که موجب ضرر به غیر است مخفی کنیم.

بنابراین عنصر مادی در جرم جعل اسناد سجلی را به شرح ذیل بررسی خواهیم نمود:

اول - عنصر مادی در جرم جعل مادی اسناد سجلی

دوم - عنصر مادی در جرم جعل مفادی اسناد سجلی

- عنصر مادی یا رفتار مجرمانه در جرم جعل مادی اسناد سجلی

اگرچه قانونگذار در ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات (قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) طرق تحقق جعل مادی را بیان نموده است اما عنصر مادی جرم جعل اسناد سجلی صرفاً به سه طریق امکان پذیر است:

ـ ساختن اسناد سجلی

ـ تحریف و تغییر در مندرجات اسناد سجلی

ـ تغییر و تعویض عکس دارنده اسناد سجلی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بند دوم: مصادیق بزه ساختن اسناد سجلی مجعول

یکی از مصادیق بزه ساختن اسناد سجلی مجعول این است که کسی خود را در تنظیم اسناد ولادت و امضاء آن و صدور شناسنامه نوزاد، از روی حیله و تقلب به جای اشخاص موضوع ماده ۱۶ قانون ثبت احوال معرفی نماید به عنوان مثال والدینی که به ناچار و از روی فقر طفل خود را که در بیمارستان به دنیا آمده است به خانواده دیگری فروخته و در روز تولد با ارائه شناسنامهٔ والدین واهی زمینهٔ دریافت گواهی ولادت از بیمارستان با مشخصات پدر و مادر غیر واقعی را فراهم خواهند نمود و والدین غیر واقعی با در دست داشتن شناسنامهٔ خود و گواهی ولادت که به نام آنان صادر شده به ادارات ثبت احوال مراجعه و نسبت به تنظیم اسناد جعلی اقدام خواهند نمود از مصادیق جعل مفادی اسناد سجلی می باشد.

- اعلام فوت کسی بر خلاف واقع و همچنین گواهی اشخاص نسبت به این امر

نظریه کمیسیون مشورتی حقوق جزای اختصاصی اداره حقوقی مورخ ۱۳۵۳/۵/۱۶ پرونده ۵۳/۱۳۳ اعلام گردیده که اعلام فوت کسی بر خلاف واقع و همچنین گواهی اشخاص نسبت به این امر از مصادیق ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات(قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نبوده بلکه با توجه به ذیل ماده ۱۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۰۷ (که به قوت خود باقی است) در صورتی که اعلام واقعه خلاف فوت به استناد شهادت دو یا چند نفر در دفتر متوفیات اداره ثبت احوال به ثبت برسد اعلام کننده و شهود مشمول مجازات شهادت دروغ خواهند شد.[1] اما به نظر نگارنده در صورتی که عناصر سه گانه تشکیل دهنده بزه جعل (تغییر حقیقت، قصد تقلب، امکان ورود ضرر) اعم از اینکه بالمباشره ارتکاب یافته یا با واسطه، قانوناً ساختن سند جعلی محسوب می‌شود و در صورتی که با تبانی مأمور تنظیم کننده باشد باید آن را از مصادیق جعل دانست.

- صدور گواهی نامه خلاف واقع

برخی از حقوقدانان معتقدند که هرگاه طبیب تصدیق نامه بر خلاف واقع درباره شخصی صادر کند این مورد اساساً جعل، خواه مادی خواه معنوی محسوب نمی‌شود زیرا که هیچ خدشه ای در اصل گواهی و حتی در استناد به شخص صادرکننده وجود ندارد بلکه صرفاً حاوی اطلاعات دروغ و گزارش خلاف واقع است.[2] اما به نظر نگارنده در صورتیکه صدور چنین تصدیق نامه هایی مورد استفاده قرار نگیرد و منجر به صدور اسناد سجلی نشود جرم جعل تحقق نمی یابد لیکن همین که طبیب با آگاهی نسبت به یک طرف گواهی غیر واقع ارائه می‌کند برای مسئول شناختن او کافی است زیرا این جرم از جرائم مطلق است و صرف صدور تصدیق نامه جرم محسوب می‌گردد اما در صورت استفاده از آن که منجر به صدور اسناد

۱. رضا شکری، قادر سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر مهاجر، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۶، ص

۲. در تایید نظریه اخیر رجوع کنید حسین میرمحمد صادقی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۸۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

سجلی و ورود خسارت بر خزانه دولت گردد چون عنصر ضرر تحقق یافته است، هم سازنده تصدیقنامه مجعول و هم استفاده کننده از آن را می توان مشمول جرم جعل دانست.

-کپی اسناد سجلی

کپی و یا عکسبرداری از کارت شناسایی و اوراق سجلی در صورتی جرم جعل محسوب می‌شود که موجب مشتبه شدن عکس با اصل شود و مهر یا علامتی نداشته باشد که نشان دهد آن مدرک رونوشت یا عکس می‌باشند بر این اساس مطابق ماده ۵۳۷ قانون تعزیرات (قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ عکسبرداری از اسناد سجلی مجاز است، در صورتی که اولاً این عکس موجب اشتباه نشود و ثانیاً در صورت شباهت باید ممهور به مهر یا علامتی باشد که نشان دهد آن مدرک رونوشت یا عکس است.

بند سوم: تحریف و تغییر در کپی اسناد سجلی:

تحریف و تغییر در کپی اسناد سجلی را نمی توان جرم جعل دانست زیرا کپی، سند اعم رسمی یا عادی و یا نوشته محسوب نمی‌شود. نظریه مشورتی شماره ۷/۴۹۰۲ مورخ ۶۸/۹/۱۲ نیز مؤید همین نظر است تحریف و تغییر در کپی در صورتی که منجر به بردن مال غیر شود با وجود سایر شرایط جرم کلاهبرداری خواهد بود.

۱-تحریف و تغییر در مندرجات اسناد سجلی

منظور از تحریف و تغییر اسناد سجلی، هرگونه تغییر مادی بدون صدور رأی هیأت حل اختلاف اداره ثبت احوال یا مراجع قضایی، بر روی سندی که توسط مأمور صلاحیتدار در چهارچوب قوانین تنظیم شده است اما اصل سند ساختگی نبوده بلکه معتبر و واقعی است بر خلاف ساختن اسناد سجلی که ممکن است به صورت مادی یا مفادی انجام شود بوده و این تغییر و تحریف ممکن است به صورت‌های ذیل انجام شود:

- **خراشیدن:** عبارت است از محوء نمودن حرف یا جزئی از کلمه با وسایل فیزیکی که معمولاً با آلات مخصوص مانند تیغ یا چاقو و امثال اینها صورت می‌گیرد مانند خراشیدن حرف (ن) از ابتداء کلمه (نمی‌شود) و تبدیل آن به (می‌شود).

-**تراشیدن:** محوء نمودن کل کلمه با همان آلات و ادواتی که در خراشیدن مورد استفاده قرار می‌گیرد به عنوان مثال در مدرک معادل کارشناسی، کلمه(معادل) را تراشیده و از بین برده تا مدرک کارشناسی به حساب آید نه معادل کارشناسی.

-**الحاق:** به معنای اضافه کردن که شامل کلیه اعداد و ارقام و کلمات و حروف و هر نوع علایم در زبان به بخش هایی از سند به نحوی که خواننده آن را نوشته ای واحد تصور کند مشروط بر اینکه ماهیت سند قلب

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

شود به عنوان مثال چنانچه سند ولادت یا فوت بر اساس گواهی مراجع رسمی تنظیم شود سپس مأمور ثبت احوال جهت جلوگیری از سوءاستفاده قسمت مربوط به شهود را با کشیدن ضربدر بسته نماید باید گفت که این عمل مشمول الحاق و جعل نبوده زیرا با این عمل ماهیت سند تغییر نخواهد کرد اما در صورتی که در شناسنامه بعد از نام و نام خانوادگی شخص، کلمه ای دیگر را اضافه کنند که نام خانوادگی شخص تغییر کند الحاق سند محسوب و از مصادیق جعل خواهد بود.

- **قلم بردن:** عبارت است از تغییر دادن حروف و کلمات یا ارقام یا رسم الخط و شیوه نویسنده بدون اینکه کلمه یا ارقام جدید به سند اضافه شود بنابراین در قلم بردن لازم نیست حرف یا کلمه ای به سند اضافه شود بلکه امکان دارد جاعل با استفاده از قلم قسمت هایی از سند یا نوشته را ناخوانا نماید یا روی آن خط بکشد.

- **محو کردن:** پاک کردن کلمه یا کلماتی از سند با مواد شیمیایی. در محوء کردن حتماً باید یکی از محتویات و مندرجات سند پاک شود ولی اگر شخصی از موادی استفاده کند که خودش به تدریج ظرف چند روز از بین می رود این محوء کردن موضوع جرم جعل نبوده بلکه از مصادیق کلاهبرداری است.

- **اثبات کردن:** عبارت است از اعتبار دادن به امر باطل مندرج در سند یا نوشته[1] مثلاً پاک کردن مهر باطل شد روی یک شناسنامه یا سند هویتی، از مصادیق اثبات است.

- **سیاه کردن:** در سیاه کردن شخص به هر وسیله ای از قبیل جوهر مرکب، ادویه شیمیایی، رنگ یا خط کشیدن سعی می‌کند کلمه یا نوشته ای را بپوشاند به نحوی که قابل خواندن نباشد در این خصوص دو نکته حایز اهمیت است اولاً در صورتی که با وجود عمل سیاه نمودن کلمات قابل خواندن و تشخیص باشد عمل ارتکابی جعل نخواهد بود و ثانیاً اگر کلیه سند سیاه شود و نه بخشی از آن عمل ارتکابی جعل نبوده بلکه حسب مورد بر اساس ماده ۶۸۱ یا ۶۸۲ قانون تعزیرات (قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) جرم تخریب و اتلاف اسناد محسوب می‌شود.

۲-تقدیم یا تاخیر تاریخ تنظیم سند نسبت به تاریخ حقیقی

منظور از تقدیم و تأخیر، تغییر متقلبانه تاریخ سند است که متعاقب آن ممکن است تاریخ ولادت یا فوت اشخاص نیز مورد تحریف قرار گیرد در این فرض دو حالت متصور است اول: تاریخ ولادت یا وفات مقدم بر تاریخ تنظیم اسناد است ثانیاً تاریخ ولادت یا وفات منطبق با تاریخ تنظیم سند می‌باشد. چنانچه تقدم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی پس از تنظیم سند انجام شود از موارد قلم بردن و از مصادیق جعل مادی بوده و هرگاه تقدیم یا تأخیر تاریخ سند اعم از ولادت و فوت نسبت به تاریخ حقیقی، در وقت تنظیم سند توسط اعلام کننده یا مأمور تنظیم کننده اسناد صورت گیرد جعل مفادی ارتکاب می یابد.

---

۱. ایرج گلدوزیان، جرایم علیه تمامیت جسمانی، شخصیت معنوی، اموال و مالکیت، امنیت و آسایش عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۳، ص۶۷۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بند سوم: تغییر و تعویض عکس دارنده اسناد سجلی

یکی از اساسی ترین رکن اسناد سجلی، عکس و ویژگی های مرتبط با آن است و روند کنونی شناسایی افراد و رویه جاری در رابطه با احراز هویت اشخاص تکیه بر تطابق عکس الصاق شده بر روی سند با چهره ارائه کننده آن است.

از طرفی شیوهٔ الصاق عکس بر روی اسناد سجلی نظیر شناسنامه به نحوی است که فاقد استحکام لازم بوده و منفذ و خلاء برای این اسناد محسوب می‌شود. به طوری که به سهولت جعل شده و به راحتی عکس الصاقی از سند جدا گردیده و عکس دیگری بر روی آن نصب می‌شود. این آسیب پذیری از نظر و دید تبهکاران به دور نمانده و راحت ترین شگرد آنها در جعل اسناد سجلی محسوب می‌شود. روشی که در الصاق عکس در شناسنامه معمول است، عبارت از این می‌باشد که دارنده سند، عکس خود را به مرجع صدور تحویل و آنها با منگنه یا انواع چسبهای مایع، عکس را در محل مربوطه قرار داده و سپس آن را ممهور می‌سازند به نحوی که قسمتی از مهر بر روی سند و قسمتی دیگر بر روی عکس قرار می‌گیرد هدف از این کار جلوگیری از جابجایی عکس می‌باشد. ولی تجربه نشان داده است که هیچ کدام از این اقدامات نمی‌تواند مانعی جدی در جعل اسناد سجلی از طریق جابجایی عکس محسوب گردد. زیرا جاعلین با کمی‌دقت عکس را برداشته، عکس دلخواه خود را بر روی سند قرار می‌دهند و قسمتی از مهر را که بر روی عکس بوده است با ترفندهای مختلف بر روی عکس جدیدالالصاق منقوش می‌سازند و یا اینکه در مواقعی که عکس با روکش پلاستیکی پوشانده شده باشد، با استفاده از وسایل گرمازا مانند سشوار به راحتی روکش را جدا ساخته عکس را تعویض نموده و مجدداً روکش را می‌چسبانند.

ج - عنصر روانی جرم جعل اسناد سجلی

منظور از عنصر معنوی (روانی) این است که رفتار مجرمانه همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد.[1] عنصر روانی به دو صورت قابل تصور است:

۱- قصد مجرمانه: عبارت است از اینکه بزهکار در ارتکاب جرم، قصد مجرمانه داشته باشد

۲- در حکم قصد مجرمانه یا خطای جزایی: مرتکب فاقد قصد مجرمانه بوده اما در ارتکاب عمل خطایی از او سر زده که مستحق مسئولیت جزایی است.

قصد مجرمانه مذکور در ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات (قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) ممکن است از طریق فعل یا ترک فعل انجام شود بنابراین اگر تاجری در دفاتر قانونی خود از درج معاملات مذکور در صورتحساب های دریافتی خودداری و بدین ترتیب عالماً و عامداً به قصد اضرار طرف معامله از ذکر ارقامی از مطالبات خودداری نماید مرتکب جرم جعل از طریق ترک فعل گردیده است.[2]

۱. ایرج گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۴، ص ۷۲

۲. ایرج گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۳۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

قصد مجرمانه در مورد جعل معنوی اسناد سجلی از طریق اظهار کذب به مأمورین رسمی و عمومی احراز می‌شود و وجود دو شرط برای تحقق قصد مجرمانه در جرم جعل مفادی اسناد سجلی الزامی است:
اولاً اعلام کننده باید عالم به کذب بودن باشد یعنی عمد در اظهار داشته باشد.
ثانیاً مأمور تنظیم کننده سند تنها در صورتی مسئول خواهد بود که عالم به خلاف بودن اظهار باشد در غیر این صورت وسیله ارتکاب جرم است و مباشر، شخص اعلام کننده خواهد بود.

مبحث سوم - جرم استفاده از اسناد سجلی مجعول و غیرواقعی

استفاده از اسناد سجلی مجعول، جدا از جعل بوده و به صورت یک جرم مستقل در مباحث حقوقی و قضایی مورد توجه قرار میگیرد. جرم استفاده از سند مجعول در اغلب موارد توسط مرتکب بزه جعل انجام می‌شود اما گاهی هم مرتکب بزه استفاده از سند مجعول، شخص دیگری غیر از خود جاعل است. در مواردی که جاعل و استفاده کننده از سند مجعول یک نفر باشد مرتکب به اتهام دو جرم یکی برای جعل و دیگری برای بکارگیری سند جعلی و با رعایت قاعده تعدد جرم مجازات خواهد شد. در مورد جرم مستقل بودن استفاده از شی مجعول آرائی به شرح زیر صادر شده است:
به موجب احکام شماره ۲۹۹ مورخ ۱۳۲۰/۵/۳۱ و شماره ۴۸۸ مورخ ۱۳۱۷/۲/۳۱ شعبه دوم دیوان عالی کشور و احکام شماره ۱۵۸۵ مورخ ۱۳۱۹/۵/۱۷ و شماره ۳۱۳ مورخ ۱۳۲۰/۸/۲۹ شعبه پنجم دیوانعالی کشور[1] (جعل و استفاده از ورقه مجعول هر کدام طبق مقررات قانون کیفر عمومی بزه مستقل شناخته شده و مقدمه بودن یکی از دو بزه برای بزه دیگر موجب معافیت مرتکب از کیفر آن بزه (استفاده) نخواهد بود)
برای تعیین مجازات استفاده از اسناد سجلی جعلی به لحاظ اینکه این اسناد در ردیف اسناد دولتی و رسمی‌هستند، بایستی به قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مراجعه نمود ماده ۵۳۵ این قانون، مجازات مرتکبین استفاده از اسناد رسمی‌جعلی را پیش بینی نموده و مقرر می‌دارد: (هر کس اوراق مجعول مذکور در موارد ۵۳۲ – ۵۳۴ را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال یا به سه تا ۱۸ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد).

گفتار اول - عناصر متشکله جرم استفاده از سند مجعول

با توجه به مندرجات ماده قانونی مذکور، شرط تحقق یا عناصر متشکله، جرم استفاده از سند سجلی مجعول همانند سایر جرایم عبارت است از عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی.

---

۱. مذکور در ضیاءالدین پیمانی، پیشین، ص۱۲۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بند اول - عنصر قانونی جرم استفاده از سند سجلی مجعول

عنصر قانونی جرم استفاده از سند سجلی مجعول در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، در پاره‌ای از موارد به همراه جرم جعل و تزویر آمده و در مواردی نیز به صورت مستقل و جداگانه پیش‌بینی شده است به طور کلی در مواد ۵۲۴ تا ۵۲۹ و ۵۳۶ استفاده از سند مجعول به همراه جعل و تزویر جرم انگاری شده است و در ماده ۵۳۵ استفاده از اوراق مجعول مذکور در مواد ۵۳۲، ۵۳۳ و ۵۳۴ همان قانون به شکل مستقل مورد حکم قرار گرفته است همچنین در قوانین خاص همانند قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، قوانین مربوط به جعل اسکناس نیز عنصر قانونی جرم استفاده از سند مجعول بیان شده است.

بند دوم - عنصر مادی جرم استفاده از سند سجلی مجعول

برای تحقق جرم استفاده از سند سجلی جعلی بایستی مرتکب به نوعی شی مجعول را مورد استعمال قرار دهد لذا منظور از استفاده، فایده عملی بردن از سند مجعول نیست و با توجه به اینکه صرف استعمال یا استفاده از سند سجلی مجعول برای تحقق عنصر مادی این جرم کافی به نظر می‌رسد بنابراین ارتکاب هر عمل مادی محسوسی که عرفاً به قصد برخورداری از مزایای سند سجلی مجعول از ناحیه ارائه کننده آنها صورت می‌گیرد عنصر مادی جرم استفاده از سند سجلی مجعول محسوب می‌شود مشروط به این که مرتکب عالم به مجعول بودن آنها باشد مانند ارائه شناسنامه جعلی برای دریافت کوپن یا گذرنامه و نظایر اینها. دیوان عالی کشور در این خصوص اشعار می دارد:

(اگر کسی ورقه مجعول منتسب به طرف خود را به دادگاه حقوق برای استفاده بدهد و مجعولیت آن در نظر دادگاه ثابت گردد نمی توان به عنوان اینکه مجعولیت سند محرز شده و فایده نبخشیده او را تبرئه نمود چه آنکه به محض تقدیم سند مجعول به دادگاه و استناد به آن علیه طرف، عمل استفاده از سند تمام شده محسوب است خواه آن سند مفید واقع شده و فایده از آن حاصل گردد یا آنکه به واسطه ثبوت جعلیت فایده از آن عاید نگردد)[1].

فعل مرتکب به صورت یک فعل مادی مثبت خارجی است که به صرف تقدیم، ابراز، تسلیم، ارائه کردن، استناد کردن، انتشار دادن و نظایر آن محقق می گردد

نکاتی که از این توضیح استنتاج می‌شود، به شرح زیر است:

ـ این جرم یک جرم آنی است و در لحظه ای که سند هویتی مجعول ارائه و مورد استفاده قرار می‌گیرد جرم محقق می‌شود و پس گرفتن بعدی آن تأثیری در ارتکاب جرم ندارد.

ـ این جرم مطلق است. یعنی صرف نظر از اینکه نتیجه مطلوب مرتکب حاصل شود یا نشود به صرف ارتکاب، تحقق می‌یابد.

ـ این جرم، یک جرم ساده است. به عبارت دیگر یک عمل برای تحقق آن کافی است.

---

۱. رای شماره ۲۱۸۴ مورخ ۱۳۱۸/۹/۳ شعبه پنجم دیوان عالی کشور

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بند سوم - عنصر روانی جرم استفاده از سند مجعول

جرم استفاده از اسناد سجلی مجعول و غیرواقعی از جرایم عمدی است. لیکن برای تحقق عنصر روانی آن مرتکب باید دارای سوءنیت باشد بدین معنا که آگاه به مجعول بودن سند باشد. نکته ای که باید به آن اشاره کنیم این است که علم به خلاف واقع بودن سندی ملازمه با علم به مجعول بودن ندارد به خصوص اگر آثار و علایمی هم در آن موجود باشد که از مرجع مربوط صدور یافته باشد[1] و به همین جهت قانونگذار این مطلب را صریحاً در ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و در مورد استفاده از این قبیل اسناد مورد تأکید قرار داده است و در ماده ۵۳۷ همان قانون تصریح شده کسانی که از عکس و رونوشت اوراق سجلی شخصی بدون مهر و علامت عالماً و عامداً استفاده کنند به طوری ک موجب اشتباه با اصل شود علاوه بر جبران خسارت به حبس از شش ماه تا دو سال و یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

مبحث چهارم: جرایم علیه اموال و مالکیت متأثر از جعل اسناد سجلی

گفتار اول: کلاهبرداری

از جمله جرایمی که تقریباً در کلیه کشورها شایع است جرم کلاهبرداری است در کلاهبرداری مجرم با انجام اقدامات مادی و خارجی متقلبانه و صحنه سازی سبب فریب و اغفال قربانی خواهد شد که در نتیجهٔ اغفال و فریب، مالک با رضاء و اراده خود مال خود را تقدیم مجرم می‌نماید لذا از این حیث کلاهبرداری با سایر جرایم علیه اموال (سرقت، خیانت در امانت، چک پرداخت نشدنی) که مال بدون رضایت مالک، در اختیار مجرم قرار می گیرد متفاوت می‌باشد.

- تعریف حقوقی کلاهبرداری

قانونگذار جرم کلاهبرداری را تعریف نکرده و در ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری بیشتر مصادیق متداول و شایع آن را احصاء نموده است لذا به بیان تعاریف برخی از حقوقدانان می پردازیم:

ـ کلاهبرداری عبارت است از استعمال اسم یا عنوان ساختگی به منظور متقاعد ساختن طرف به تأسیسات مجعول و اقدامات و اعتبارات موهوم و امیدوار کردن به وقایع موهوم یا بیم دادن از امور موهوم تا به این ترتیب مال یا سند یا اوراق بهادار و قولنامه از طرف بگیرند و ضرر به او برسانند. [2]

ـ کلاهبرداری عبارت است از تحصیل متقلبانه مال غیر.[3]

---

۱. رای شماره ۹۱۲ مورخ ۱۳۳۹/۲/۳۱ شعبه دوم دیوان عالی کشور

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۸، ص۵۷۴

۳. محمدجعفرحبیب زاده، تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، نشر دادگستر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۹، ص۳۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ـ کلاهبرداری عبارت است از بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلبانه.[1]

ـ کلاهبرداری عبارت است از تحصیل مال دیگری با توسل به وسایل متقلبانه.[2]

گفتار دوم - عناصر تشکیل دهنده کلاهبرداری

بند اول - رکن قانونی کلاهبرداری

ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص نظام و تبصره های آن رکن قانونی جرم کلاهبرداری را تشکیل می‌دهد که بیان می‌دارد: " هر کس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها، یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع، امیدوار نماید یا از حوادث و پیشامدهای غیرواقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصا حساب و امثال آنها را تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبرداری محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از ۱ تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است، محکوم می‌شود ".

بند دوم - رکن مادی جرم کلاهبرداری

عنصر مادی جرم کلاهبرداری شامل به کار گرفتن وسایل متقلبانه است این نوع رفتار مجرمانه صرفاً به شکل فعل مثبت بوده که شامل عملیات و اقداماتی مادی است و ترک فعل حتی اگر همراه با سوءنیت باشد نمی تواند تشکیل دهنده عنصر مادی جرم کلاهبرداری باشد عنصر مادی جرم کلاهبرداری مرکب از دو جزء است:

الف - به کار بردن وسایل متقلبانه

ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری یک سری از عملیاتی را به عنوان وسایل تقلبی نام برده لیکن وسایل متقلبانه در این ماده حصری نبوده و از باب تمثیل است:

ـ مغرور کردن مردم به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم

ـ مغرور کردن مردم به داشتن اموال و اختیارات واهی

ـ امیدوار کردن مردم به امور غیر واقع

---

۱. حسین میرمحمدصادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت نشر میزان، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۲، ص۵۱

۲. ایرج گلدوزیان، جرایم علیه تمامیت جسمانی، شخصیت معنوی، اموال و مالکیت، امنیت و آسایش عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۳، ص۳۳۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ـ ترساندن مردم از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع
ـ اختیار اسم یا عنوان مجعول

ب - تحصیل وجوه یا اموال یا اسناد و امثال آنها.

بزه کلاهبرداری از جمله جرایم مقید به حصول نتیجه بوده و تحقق آن منوط به بردن وجه یا مال یا سند و امثال آن می‌باشد در هر صورت چیزی که برده می‌شود باید مالیت داشته باشد اعم از اینکه منقول باشد یا غیرمنقول. بردن مال مستلزم اغفال و فریب قربانی است که در نتیجه فریب مال را با رضایت در اختیار مجرم قرار دهد صرف فریب خوردن قربانی به معنای توسل به وسایل متقلبانه نیست و این دو شرط (توسل به وسایل متقلبانه، فریب خوردن قربانی) مجزای از یکدیگرند که برای تحقق جرم کلاهبرداری وجود هر دو شرط الزامی بوده و تحقق یک شرط به معنای تحقق شرط دیگر نخواهد بود.

بند سوم - عنصر روانی جرم کلاهبرداری

کلاهبرداری از جرایمی است که برای تحقق آن داشتن سوءنیت عام و خاص الزامی می‌باشد در مورد اهمیت قصد مجرمانه در احراز کلاهبرداری شعبه دوم دیوان عالی کشور اعلام می‌دارد: (سوءنیت نخستین رکن و اولین عنصر تشکیل دهنده بزه کلاهبرداری است و بدون احراز آن نمی‌شود عمل را با ماده ۲۳۸ تطبیق داد.[1]

گفتار چهارم - انواع کلاهبرداری با استفاده از اسناد سجلی مجعول
بند اول - کلاهبرداری بیمه عمر از طریق جعل اسناد سجلی
بند دوم - کلاهبرداری از طریق جعل اسم و یا عنوان شخص خاص با داشتن اختیارات واهی
بند سوم - کلاهبرداری از طریق انتقال مال غیر بدون مجوز قانونی
بند چهارم - کلاهبرداری از طریق تحصیل متقلبانه گواهی حصر وراثت
بند پنجم - کلاهبرداری از طریق ارائه شناسنامه شخص متوفی که ممهور به مهر ابطال نشده
بند ششم - کلاهبرداری از طریق ثبت شرکت های واهی
بند هفتم - افتتاح حساب های بانکی برای کلاهبرداری
بند هشتم - کلاهبرداری از طریق اخذ وام از بانکها با استفاده از اسناد سجلی جعلی:
بند نهم - کلاهبرداری از طریق وصول چک های بانکی جعلی با استفاده از مدارک سجلی مجعول
گفتار پنجم - غیر قابل گذشت بودنِ جرم کلاهبرداری با استفاده از جعل اسناد سجلی

۱. ایرج گلدوزیان، جرایم علیه تمامیت جسمانی، شخصیت معنوی، اموال و مالکیت، امنیت و آسایش عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۴۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

جرم کلاهبرداری از جمله جرایمی است که در رابطه با حقوق عمومی و نظم و امنیت جامعه می باشد بنابراین به هر نحوی که وقوع آن محرز شود اعم از اینکه به تنهایی و بدون جعل اسناد سجلی و یا با استفاده از اسناد سجلی جعلی انجام شود، قابل گذشت نخواهد بود. هیات عمومی دیوان عالی کشور به موجب رای شماره ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱ جرم کلاهبرداری را عمومی و غیر قابل گذشت قلمداد نموده و اشعار می‌دارد: (چون شیوع جرم کلاهبرداری موضوع ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی(تعزیرات) در رابطه با حقوق عمومی و نظم و امنیت جامعه و آسایش عامه دارای چنان اثر عمیق نامطلوب و فزاینده ای است که ایجاب می نماید اعم از اینکه شاکیان یا مدعیان خصوصی درخواست تعقیب و اقامه دعوی کرده و یا نکرده باشند، دادستان خود مرتکبین آن را تعقیب و به کیفر برساند و این امر مستلزم آن است که تعقیب و مجازات مرتکبین چنین جرمی صرفاً مبتنی بر تقاضای صاحبین حق یا قائم مقام قانونی آنان نباشد تا با استرداد شکایت و دعوی از طرف ایشان تعقیب کیفری و مجازات موقوف گردد و قوانین و مقررات کیفری مربوطه هم منافاتی با این امر ندارد، فلذا محکومین این جرم که از انواع جرایم قابل گذشت به شمار نمی آید می توانند با اجازه ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب مرداد ۱۳۵۶ مستنداً به استرداد شکایت و دعوی از طرف شاکیان و مدعیان خصوصی از دادگاهی که حکم قطعی را صادر کرده درخواست کنند که دادگاه در میزان مجازات آنان تجدیدنظر نموده و در صورت اقتضاء کیفر آنان را در حدود قانون تخفیف دهد. . . . این رای بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاهها لازم الاتباع است.)

گفتار ششم: تخفیف در جرم کلاهبرداری با استفاده از جعل اسناد سجلی

نظر به توضیحات یاد شده معلوم گردید که جرم جعل اسناد و کلاهبرداری جزء جرایم عمومی و غیر قابل گذشت می‌باشد لیکن ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر می‌دارد: (هرگاه شاکی و مدعی خصوص در جرایم غیر قابل گذشت بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر نماید محکوم علیه می تواند با استناد به استرداد شکایت از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند که در میزان مجازات تجدیدنظر نماید، در این مورد دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده رسیدگی نموده و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف خواهد داد این رأی قطعی است.)

گفتار هفتم: سرقت

در مجموعه جرایم علیه اموال، سرقت از قدیمی ترین جرایم محسوب می‌شود که به جهت سهل بودن ارتکاب آن و محسوس بودن منفعت در اکثر کشورهای جهان ارتکاب می‌یابد در ابتدا جرم سرقت به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

صورت ساده انجام می شد لیکن با گذشت زمان و صنعتی شدن جوامع این جرم به صور مختلف از جمله: سرقت مقرون به آزار، سرقت توأم با حتک حرز، سرقت در شب، سرقت از منازل، و غیره ارتکاب می یابد در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ سرقت تعریف نشده بلکه سرقت به دو نوع جنایی و جنحه‌ای تقسیم شده بود و احکام مربوط به مجازات سرقت‌های جنحه ای در مواد ۲۲۶ و ۲۲۷ و سرقت‌های جنایی در مواد ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۵ پیش‌بینی گردیده بود برخلاف قانون مجازات عمومی، قانونگذار اسلامی صراحتاً جرم سرقت را تعریف کرده است در ماده ۲۱۲ قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ مقنن در مقام تعریف سرقت چنین گفته بود: (سرقت عبارت است از این که انسان مال دیگری را بطور پنهانی برباید)

بند اول: ارکان جرم سرقت

الف) رکن قانونی

ـ مواد ۲۶۷ تا ۲۷۸ در فصل هفتم از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی مصوب۱۳۹۲

ـ مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ در فصل بیست و یکم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب۱۳۷۵

ـ مواد ۵۴۴ تا ۵۴۵ در فصل ششم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵

ـ ماده ۵۵۹ در فصل ششم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵

ـ مواد ۶۸۳ و ۶۸۴ در فصل بیست و پنجم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب۱۳۷۵

ـ مواد ۸۸ تا ۹۲ در فصل هشتم قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب۱۳۸۲

ـ ماده واحده لایحه قانونی راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص می‌شوند مصوب۱۳۳۳

ـ ماده واحده قانون مجازات سرقت مسلحانه از بانک ها و صرافی ها مصوب۱۳۳۸

ب) رکن مادی سرقت

همانطور که در ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است برای تحق عنصر مادی جرم سرقت سه عامل شرط است که عبارت است از (ربودن، مال، تعلق مال به غیر). اما در قانون قدیم مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ چهار عامل شرط بوده که علاوه بر موارد فوق قید به طور پنهانی نیز شرط تحقق سرقت بود که در قانون جدید حذف گردید.

ج) عنصر معنوی جرم سرقت

تحقق جرم سرقت مستلزم وجود قصد مجرمانه می باشد که عبارت است از سوءنیت عام و سوءنیت خاص. منظور از سوءنیت عام عمد در ربایش و منظور از سوءنیت خاص، قصد محروم کردن مالک از مالش بطور دایمی است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

گفتار هشتم: تاثیر اسناد سجلی جعلی در شیوه های مختلف سرقت

بند اول - وصول چک های مسروقه با استفاده از اسناد سجلی جعلی

سهولت استفاده از چک در معاملات اقتصادی سبب شده تا عامه مردم بجای نقل و انتقال حجیم پول نقد، از انواع مختلف چک استفاده نمایند همین امر زمینهٔ مساعدی را برای سارقین حرفه ای در ارتکاب انواع و اقسام سرقت ایجاد نموده است و آنها بدون کمترین ریسک و خطرپذیری چک‌ها را سرقت نموده و در سریع ترین زمان ممکن به پول نقد تبدیل نموده و هیچ ردپایی نیز از خود بجا نمی‌گذارند.

سوالی که ممکن است مطرح شود این است که مگر یک برگه چک دارای ارزش مالی است که قابل سرقت باشد؟ همانطور که در تعریف مال گفته شد هر آن چیزی که قابل تقویم به پول بوده و دارای ارزش باشد مال محسوب می‌شود امروزه چک ها در حکم اسکناس بوده و به میزان مبلغی که در آن نوشته شده است دارای ارزش مالی است اداره حقوقی قوه قضایه در رای شماره ۷/۹۱۴ مورخ ۱۳۷۳/۲/۷ چک را دارای ارزش مالی دانسته و ربودن آن را سرقت محسوب کرده است. در این خصوص فرقی بین چک پول‌ها و چک های شخصی وجود ندارند و همه انواع چک مال محسوب می‌شود زیرا چک پول ها آن چنان بین مردم رواج پیدا کرده که مانند پول دست به دست می گردد و افراد اصراری به تبدیل آن به پول ندارند اما در خصوص چک های شخصی در صورتی که نوشته و امضاء شده باشد به میزان مندرج در آن مالیت دارد و چک هایی که نوشته نشده نیز علاوه بر قیمت خود آن، چون با نوشتن و تکمیل آن می تواند ارزش مالی پیدا کند دارای ارزش مالی است.

باید بین چک‌های سرقت شده توسط سارقین و تأثیر اسناد سجلی مجعول در تبدیل چک‌های مسروقه به پول قائل به تفکیک شد زیرا چک پولها چنان رواج پیدا کرده و مثل اسکناس برای مردم دارای ارزش واقعی است و نیاز به مراجعه به بانک جهت تبدیل آن به پول وجود ندارد اما در خصوص چک‌های شخصی سارقین پس تحصیل و تصرف چک‌ها، برای تبدیل آن‌ها به پول نقد به بانک مراجعه خواهند نمود. در این مرحله سارقین از شناسنامه و یا کارت شناسایی جعلی استفاده نموده و با درج مشخصات مندرج در شناسنامه یا کارت ملی جعلی کلیه چک ها را وصول نموده و صحنه را ترک می‌نماید. بدیهی است پس از سیر مراحل طرح شکایت اولیه و اعلام سرقتی بودن چک‌ها به بانک‌ها با وصول چک‌ها مواجه بوده و استعلامات لازم در خصوص شناسنامه و یا مدرکی که در هنگام تبدیل چک ها به پول از سوی سارقین ارائه شده است موفقیتی رابه همراه نخواهد داشت.

بند دوم - فروش اموال مسروقه با اسناد هویتی جعلی

اصولا سرقت اموال به این منظور انجام می‌شود که مال مسروقه تبدیل به پول شود استفاده از اسناد سجلی مجعول در فروش و تبدیل اموال مسروقه یکی از شیوهایی است که به کار برده می‌شود. با این توضیح که سارقین حرفه‌ای که معمولاً بصورت باندی و شبکه ای فعالیت دارند، پس از سرقت و بدست آوردن اموالی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

که فروش آنها نیاز به احراز هویت دارد، برای آنکه اثر و سرنخی از خود باقی نگذارند، اقدام به استفاده از اسناد هویتی جعلی می‌نمایند.

گفتار نهم: خیانت در امانت

قانونگذار در مورد جرم خیانت در امانت تعریفی ارائه نداده و به ذکر اجمالی اقداماتی که موجب تحقق بزه خیانت در امانت می‌شود پرداخته است ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است در بیان مصادیق خیانت در امانت اشعار می‌دارد: (هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد).

حقوقدانان تعاریف متعددی از جرم خیانت در امانت ارائه داده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

ـ خیانت در امانت رفتار مجرمانه و مخالف امانت است، نسبت به مال منقول که به موجب هر امر و یا عقدی از عقود امانت آور، سپرده به مجرم یا در حکم آن باشد.[۱]

ـ استعمال مال مورد امانت توسط امین در جهتی که منظور صاحب مال نباشد، استعمال اعم است از تصاحب یا تلف کردن یا گم کردن.[۲]

ـ خیانت در امانت عبارت است از استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن توام با سوءنیت مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی به کسی سپرده شده و بنابر استرداد یا به مصرف معین رسانیدن آن بوده است.[۳]

ـ خیانت در امانت، عبارت است از تصاحب یا تلف یا مفقود یا استعمال نمودن اموال یا اسناد به زیان مالیکن یا متصرفین آنها، وقتی اشیا مزبور به عنوان اجاره، امانت، رهن وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و مقرر بوده است که اشیاء مزبور مسترد یا به مصرف معینی برسد.[۴]

ـ خیانت در امانت عبارت است از فعل مثبت امین به یکی از صور مذکور در قانون، در اموال یا اسناد و نوشتجات امانی به ضرر مالک یا متصرف.[۱]

---

۱. ابراهیم پاد، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۹، ص۳۱

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۷۰

۳. حسین میرمحمدصادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت نشر میزان، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۲، ص۱۴۳

۴. ایرج گلدوزیان، جرایم علیه تمامیت جسمانی، شخصیت معنوی، اموال و مالکیت، امنیت و آسایش عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۳، ص۴۰۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بند اول: عناصر متشکله جرم خیانت در امانت

الف) عنصر قانونی جرم خیانت در امانت

عنصر قانونی خیانت در امانت ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات(قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) است که بیان می‌دارد: (هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد) همچنین می توان به عنصر قانونی برخی از انواع خیانت در امانت از جمله سوءاستفاده از سفید مهر یا سفید امضاء در ماده ۶۷۳ قانون مذکور و سوءاستفاده از اوراق بهادار یا وجوه امانی توسط کارگزار در ماده ۲۷ قانون تأسیس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ و سوءاستفاده از احتیاجات شخص غیر رشید موضوع ماده ۵۹۶ قانون تعزیرات (قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، و همچنین سوءاستفاده مستخدمین دولت با تصاحب اوراق و اسناد موضوع ماده ۶۰۴ قانون تعزیرات (قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) اشاره نمود.

ب) عنصر مادی جرم خیانت در امانت

به موجب ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات (قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) خیانت در امانت به وسیله انجام یکی از چهار فعل مثبت استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن مال مورد امانت تحقق خواهد یافت همانطور که مشاهده می‌شود قانونگذار در ماده مذکور رفتار متقلبانه استعمال، تصاحب، اتلاف و مفقود کردن را صرفاً در مال امانی، شرط تحقق جرم خیانت در امانت دانسته است بنابراین در خیانت در امانت وجود یک رابطه حقوقی مقدم بر وقوع بزه که به موجب آن مالی یا چیزی به عنوان امانت به شخصی سپرده شده باشد، الزامی می باشد و اگر کسی مالی را خارج از رابطه امانی تصرف کند مشمول جرم خیانت در امانت نخواهد بود. مصادیق رابطه امانی در ماده ۶۷۴ شامل عقد اجاره یا امانت یا رهن یا وکالت و یا قرارداد انجام کار، تمثیلی بوده و شامل روابط دیگر امانت آور نیز می باشد در تائید این نظر شعبه دوم دیوان عالی کشور در یکی از آراء خود، عرف و عادت را نیز در وقوع عقد امانت مؤثر دانسته و اعلام داشته است: امین بودن کسی نسبت به یک مال یا برحسب سپرده شدن مال به اوست و یا برحسب عرف و عادت. بنابراین اگر در انبار مشترک بین دو نفر یکی مال اختصاصی داشته باشد و دیگری که کلید

۱. محمدجعفر حبیب زاده، تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، انتشارات دادگستر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۹، ص ۳۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

انبار پیش اوست مال اختصاصی شریک خود را حیف و میل کند خائن در امانت شناخته می‌شود چون شخص مزبور عرفاً امین محسوب می‌شود اگرچه مال به سپرده نشده است.[1]

ج) عنصر روانی جرم خیانت در امانت:

عنصر روانی این جرم از دو بخش سوءنیت عام و سوءنیت خاص تشکیل می‌شود.

الف - سوءنیت عام:

سوءنیت عام در واقع عمد در ارتکاب عمل فیزیکی است یعنی اینکه متهم باید یکی از چهار فعل تصاحب، تلف، مفقود کردن و استعمال مال مورد امانت را به صورت عمدی و از روی قصد و اراده مرتکب گردد همچنین مرتکب باید عالم به تعلق مال به غیر و امانی بودن مال نزد خود باشد.

ب - سوءنیت خاص:

منظور از سوءنیت خاص آن است که مرتکب این اعمال را به قصد نیل به نتیجه انجام دهد که در واقع همان ایراد ضرر به مالک یا متصرف مال است این شرط نشان دهنده این است که اگر امین عمداً ولی به قصد منتفع کردن مالک یا متصرف مال، مرتکب عمل فیزیکی جرم خیانت در امانت شده باشد به دلیل فقدان سوءنیت خاص از ناحیه وی عمل ارتکابی مشمول عنوان خیانت در امانت نخواهد شد

بند دوم: تأثیرگذاری اسناد سجلی جعلی در وقوع خیانت در امانت

- سوء استفاده از سفید مهر یا سفید امضاء از طریق جعل اسناد سجلی:
- خیانت مستخدمین دولت از طریق در اختیار قراردادن اموال و اسناد دولتی به افراد فاقد صلاحیت
- فروش مال مورد امانت با جعل مدارک سجلی مالک اصلی
- حضور شخص ثالث در بین امین و مالک مال و بهره گیری از سند سجلی مجعول
- خیانت در امانت در قانون تصدیق انحصار وراثت از طریق جعل اسناد سجلی

بند سوم: حیثیت عمومی جرم خیانت در امانت و تأثیر گذشت شاکی:

- تعدد مادی و کیفیات مخففه در جرم خیانت در امانت با استفاده از جعل اسناد سجلی
- انگیزه جعل اسناد سجلی

با همه این اوصاف در خصوص انگیزه جعل اسناد سجلی باید پذیرفت که انگیزه جاعل همان بهرگیری از سند سجلی مجعول خواهد بود و وقتی جاعل به این موضوع واقف شود که قادر نیست از سند سجلی مجعول بهره برداری نماید مطمئناً انگیزه ای برای جعل نخواهد داشت و هدف خود را از طرق دیگری دنبال می کند.

---

۱. شعبه دوم دیوان عالی کشور، رای شماره ۹۶ مورخ ۱۳۲۲/۷/۱۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

اقدامات مؤثر در خنثی سازی انگیزهٔ استفاده از سند جعلی:

اقداماتی را که برای مقابله با بکارگیری اسناد جعلی می‌توان از آنها بهره برداری نمود به شرح ذیل هستند:

-**آموزش همگانی:** امروزه در تمامی جوامع ازطریق آموزش‌های همگانی در زمینه‌های ارتکاب جرم از صرف هزینه بسیار توسط جامعه و نهادهای امنیتی و قضایی درجهت کشف جرایم، تعقیب مجرمین و نهایتاً مجازات مرتکبین خودداری نموده وسعی برآن دارند بجای پرداختن به بحث مقابله با جرایم که امری مؤخر و درحقیقت عکس العمل محسوب و همیشه به لحاظ منفعل و غیرِ کارآمد خواهد بود به عوامل پیشرو، و قبل از وقوع جرم همت گمارند بدین طریق توصیه تمامی جامعه شناسان وجرم شناسان تمرکز بر بحث پیشگیری از وقوع جرایم و سعی دراین زمینه است.

در بحث جعل اسناد نیز توجه به بروز بودن مجرمین و ایادی درگیر که با استفاده از روش های مدرن و تکنیک های جدید به جعل و استفاده از اسناد مجعول می پردازند ضرورت توجه به زمینه های وقوع جرم و از بین بردن زمینه ها و موجبات و مقدمات جرم امری اساسی و غیرقابل اجتناب است

- **استعلام از صحت اطلاعات نامه‌های دریافتی:** یکی از مستندات صدور اسناد ولات در سازمان ثبت احوال، گواهی ولادت صادره از سوی بیمارستان و یا گواهی ماما می‌باشد و همچنین در خصوص مکاتبات مراکز ناباروری در خصوص رحم اجاره ای و یا اهدایی می‌باشد که بعضاً توسط والدین به اداره ثبت احوال ارائه می گردد لذا صحت اطلاعات درج شده در نامه، باید مورد بررسی قرار گیرد.

- **تشدید مجازات استفاده کنندگان اسناد جعلی:** مجازات بزه جعل اسناد از بازدارندگی لازم برخوردار نیست و با توجه به اینکه در اکثر جرایم مالی، مرتکب، از طریق جعل اسناد سجلی یا استفاده از سند مجعول موفق به تحصیل مال می‌شود نوعاً اینگونه جرایم آمار بالایی را در پرونده‌های کیفری تشکیل می‌دهند و شاید مرتکبین نیز به امر واقف باشند که مجازات فعلی کافی نمی‌باشد لذا ضرورت دارد قانون‌گذار مجازات شدیدتری در خصوص این موضوع وضع کند.

- **استفاده از سیستم های الکترونیک:** درصورتی که از سیستم‌های یک پارچه الکترونیکی توسط دستگاه‌ها و مراکز هویتی استفاده شود میزان جعل اسناد و استفاده از سند مجعول کاهش چشمگیری می‌یابد. خوشبختانه هم اکنون با هوشمندسازی گواهینامه، گذرنامه و کارت پایان خدمت، زمینه‌های یکپارچه سازی فراهم شده است.

نتیجه‌گیری:

جعل و تزویر مهم ترین جرم علیه اسناد و نوشتجات است که منجر به بی اعتباری اسناد و بر هم خوردن نظم و امنیت جامعه می‌شود. بی تردید جعل اسناد دارای آثار سوء بسیاری برای جامعه و اشخاص است که چنین رفتارهای مجرمانه ای به واکنش سنگین نیاز دارد اما صاحب‌نظران کارآیی چندانی را برای تشدید مجازات پیش بینی نمی‌کنند و پیشگیری از ارتکاب جرایم در تمامی زمینه های متصور اجتماعی، فرهنگی،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

قضایی، . . . به مراتب سودمندتر و کاراتر از مقابله با جرایم است و هزینه های انجام آن و ماندگاری آثار پیشگیری بر همگان مسلم و محرز است. جعل اسناد طبق مطالعات انجام شده از اجتماع سه عنصر اساسی شامل: جاعل، سند آسیب پذیر، و انگیزه ارتکاب جعل، تحقق می یابد لذا برای پیشگیری و مبارزه با این جرم بایستی از اجتماع این سه عنصر جلوگیری نمود:

جاعل:

نظر به اهمیت حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها و با توجه به نقش مهمّی که‌این‌گونه اسناد در زندگی فردی و اجتماعی افراد و وظایف مربوط به ارگان‌ها و سازمان‌های قانونی دارند و به همین اعتبار بعضی از افراد سودجو و مجرمین حرفه‌ای با جعل و استفاده از شناسنامه مجعول، سوءاستفاده‌های متعددی از این‌گونه اسناد به عمل می‌آورند لازم است برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار این‌گونه جرایم علاوه بر وضع قوانین کیفری شدید، دادگاهها نیز در برخورد با این جرایم مسامحه نکرده و جاعلان این گونه اسناد را به مجازات خود برسانند.

انواع مختلف مبارزه غیر کیفری:

از جمله آموزشهای همگانی و افزایش سطح آگاهی، تأمین و رفاه اجتماعی، نهادینه نمودن ارزش ها و اخلاقیات، بیدار نمودن وجدان خودآگاه شخص و افزایش احساس شرم و گناه و. . . . می توان استفاده نمود به نحوی که جاعل حاضر به ارتکاب جرم نشود.

اسناد آسیب پذیر:

جاعلان همراه به دنبال نقاط ضعف در اسناد سجلی هستند تا ضعف را مقدمه ای بر جعل آن قرار دهند برای حذف سند آسیب پذیر دو شاخصه مهم می تواند مؤثر واقع شود: اول: بالا بردن ضریب امنیت اسناد سجلی و ایجاد استحکام در قسمت‌های متزلزل این اسناد، در نتیجه دشوار ساختن ارتکاب جرم و دوم: افزایش خطر ارتکاب جرم. که برای هر یک از شاخص‌های مذکور، پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- پیشنهاد راه های افزایش ضریب امنیت اسناد سجلی:

-استفاده از واتر مارک: باید بپذیریم که با ورود تکنولوژی‌های رایانه‌ای و امکانات نرم‌افزاری، چاپ و ساخت هر نوع سندی برای جاعلین امکان‌پذیر خواهد بود بنابراین بهترین و ممکن‌ترین راه در وضعیت فعلی، استفاده از واترمارک است اختصاص نوع کاغذ منحصر به فرد برای اسناد سجلی که در پس زمینه آن نقوشی درج گردیده که در حالت عادی قابل مشاهده نیست ولی اگر کاغذ در برابر نور آفتاب یا چراغ

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

گرفته شود علایم پدیدار خواهد شد که تهیه و دستیابی به آن کاغذ از عهده جاعلین خارج و یا بسیار دشوار خواهد بود.

- **چاپ و تحریر اسناد سجلی:** هرچند که در حال حاضر سازمان ثبت احوال کشور اقدام به صدور شناسنامه‌های رایانه ای به شکل همگون و یکسان نموده است اما چاپ و تحریر این نوع شناسنامه ها از کیفیت مطلوبی برخوردار نبوده که این امر می تواند موجبات جعل را فراهم نماید. لذا توصیه می‌شود در چاپ اسناد سجلی از جمله شناسنامه به عنوان مهم ترین اسناد در دست مردم، از چاپگرها و جوهرهای با کیفیت بالا استفاده شود و همچنین به علت شباهت برخی از حروف در زبان فارسی، بهتر است نوع نوشته‌های آن واضح و مبرهن باشد.

- **استفاده از مهر برجسته:** مهمترین بخش اسناد سجلی، امهار آن می باشد زیرا این مهر است که به سند اعتبار می بخشد. در مهرهای فعلی که برای ممهور ساختن اسناد سجلی بکار می‌رود غالباً از جوهر استامپ استفاده می‌شود که حتی با رطوبت جزئی نیز تغییر یافته و شکل ظاهری خود را از دست می‌دهند و همین امر مستمسکی برای جاعلین حرفه‌ای در جعل اسناد سجلی است لذا بهترین شیوه مقابله با این ضعف، استفاده از مهرهای طلاکوب یا مهر برجسته است.

- **چاپ عکس بوسیله اسکن بر روی سند:** بررسی‌های انجام شده در خصوص جعل اسناد سجلی نشان می‌دهد که بیشترین جعل در شناسنامه مربوط به عکس آن است. عکس منفک از خود سند بوده و معمولاً با منگنه یا چسب بر روی آن نصب می‌شود به نحوی که جاعلین جهت استفاده از آن، به سهولت عکس سند را جابجا نموده و از آن بهره‌برداری می‌نمایند. برای جلوگیری از این امر، می‌توان با استفاده از تکنولوژی‌ها امروزی عکس دارنده سند، بصورت اسکن بر روی سند چاپ شود تا عکس جزء لاینفک سند بوده و جابجایی آن غیر ممکن شود و یا لااقل در شناسنامه های قدیم از نصب روکش پلاستیکی بر روی عکس پس از الصاق آن استفاده نمود.

-پیشنهاد راههای افزایش خطر ارتکاب جرم:

- **برنامه‌های کنترل اسناد:** با توجه به اینکه اسناد سجلی پایه و مبنای صدور سایر اسناد در دستگاه ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی می‌باشد لذا شایسته است ادارات مرتبط با این اسناد از برنامه های کنترلی نظیر احراز صحت سند به صورت موردی و یا تعیین مهلت اعتبار، استفاده نمایند بنابراین می توان با تدابیر مناسب برنامه های کنترلی، حرکت اسناد جعلی و غیر واقعی را محدود ساخت.

تعامل کلیه سازمان ها و نهادها با سازمان ثبت احوال:بسیاری از ادارات و یا اشخاص، در کنترل اسناد سجلی نظیر شناسنامه صرفاً به ظاهر شناسنامه کفایت کرده و در صورت مخدوش نبودن، آن را دارای اعتبار می‌دانند و همچنین در خصوص کارت ملی فقط به تاریخ اعتبار آن توجه می‌نمایند و شناسایی اسناد سجلی مجعول برای کارکنان سایر دستگاه‌های اجرایی و آحاد مردم به واسطه عنصر شباهت در جعل امکانپذیر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

نخواهد بود لذا کلیه سازمان‌ها و نهادها می‌توانند از بانک اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال استفاده نموده و اسناد سجلی مشکوک را با مدارک اولیه که در مرجع صدور وجود دارد مطابقت داده و از اصالت آن مطمئن شوند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ قرآن مجید

ـ احمدی؛ مهدی، جعل اسناد رسمی و کلاهبرداری در قوانین ثبتی، انتشارات دانشور، چاپ اول، ۱۳۹۰

ـ انوری؛ حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۸، انتشارات کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۱.

ـ پاد؛ ابراهیم، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.

ـ پیمانی؛ ضیاءالدین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۲.

ـ جعفری لنگرودی؛ محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ دهم، ۱۳۷۸.

ـ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۵، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.

ـ حبیب زاده؛ محمدجعفر، کلاهبرداری در حقوق ایران، انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۳۷۴.

ـ سرقت در حقوق کیفری ایران، ویراست دوم، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۸۹.

ـ تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، انتشارات دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۸۹

ـ ذاکری؛ جلیل، بررسی نحوه جعل شناسنامه و راه های تقلیل آن، مرکز تحقیقات و پژوهش های ناجا، سال ۱۳۷۹.

ـ سلیمان پور؛ محمد، جعل اسناد در حقوق ایران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۴۱.

ـ شکری؛ رضا، و قادر سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر مهاجر، چاپ ششم، ۱۳۸۶.

ـ کاتوزیان؛ ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.

ـ گلدوزیان؛ ایرج، جرایم علیه تمامیت جسمانی؛ شخصیت معنوی؛ اموال و مالکیت؛ امنیت و آسایش عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۳.

ـ میرمحمدصادقی؛ حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت نشر میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۲.

ـ ولیدی؛ محمدصالح، حقوق جزای اختصاصی(جرائم علیه اموال)، جلد ۱، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]